



ایدئولوژی نباید جانشین فلسفه شود

رضا داوری اردکانی در زمستان 1395 پاسخ های مبسوطی به پرسش های خبرگزاری مهر درباره وضع فکری معاصر می دهد. در بخشی از این مصاحبه، خبرنگار به این نکته اشاره می کند که داوری اردکانی دائماً از افتادن اندیشه در دام ایدئولوژی برحذر می دارد. سپس اینگونه نتیجه می گیرد که آیا به جای دوگانه سازی و ایجاد تقابل میان فلسفه و ایدئولوژی بهتر نیست نسبت درست میان فلسفه و ایدئولوژی را تبیین کنیم؟ سپس سوال خود را اینگونه مطرح می کند: «آیا بهتر نیست به جای ایدئولوژی ستیزی از این سخن بگوییم که فلسفه چگونه می تواند مهار ایدئولوژی را به دست بگیرد؟» رئیس فرهنگستان علوم با اذعان به اهمیت سوال و فرصتی که برای برطرف کردن بعضی ابهام های پدید آمده از خواندن کتاب ها و نوشته هایش فراهم آمده مقدماتی می گوید: «من از همه کسانی که لطف می کنند و گزارش سخنرانی های مرا می نویسند و منتشر می کنند، سپاسگزارم اما چون گاهی مطلب، برداشت خاص نویسندگان از گفته من است به آن استناد نباید کرد» او در پاسخ تفصیلی به پرسش خبرنگار می افزاید: «من هم می گویم باید به نسبت میان ایدئولوژی و فلسفه اندیشید. ولی شما خیال می کنید این کار آسان است و با صدور دستورالعمل انجام می شود. من اتفاقاً در راهی هستم که شما می گوید. من ایدئولوژی ستیز نیستم، بلکه می گویم ایدئولوژی نباید جانشین فلسفه شود. زیرا ایدئولوژی دستور عمل سیاست است نه تفکر سیاسی و تاریخی. من هرگز از تقابل فلسفه با ایدئولوژی هم چیزی نگفته ام. زیرا وقتی نسبت ایدئولوژی با فلسفه معلوم نیست و این دو با هم متباین اند، از تقابل آنها چه بگویم؟ میان امور متباین، تقابل معنا ندارد. یکی از نکاتی که من در نوشته های خودم رعایت می کنم این است که سخن در جای خود بیاید. وقتی خواننده سخن متناسب با وضع مقام را مطلق تلقی می کند پیداست که نادرست و ناموجه بنماید. من می گویم بیاید ایدئولوژی را در جای خود قرار دهیم و البته دشواری این کار را هم می دانم زیرا تا وقتی بنیاد ایدئولوژی ها (اگر بنیادی داشته باشند) را درنیابیم نمی توانیم آنها را در جای خود قرار دهیم و در یافتن اساس ایدئولوژی ها یگانه شدن با جهان موجود است. مشکل بزرگ زمان ما به خصوص در جهان در حال توسعه این است که درباره تفکر با میزان ایدئولوژی حکم می شود، یعنی اینکه باید مینا و ره آموز تشخیص مصلحت زندگی مردم باشد، تابع سلیقه های یکی و آنهایی می شود. در چنین شرایطی پیداست که جهان توسعه نیافته در سعی خود برای توسعه بیشتر ظواهر تجدد را در کنار هم بگذارد و در جهت قراردادن چیزها و کارها در جای خود که بسیار مشکل است برنیاید. اگر بتوانیم جایگاه و مقام امور و چیزها را دریابیم آن وقت ایدئولوژی در نسبت درست با فلسفه قرار می گیرد.» متن کامل این گفتگو را می توانید در لینک زیر بخوانید.

گفتگو درباره وضع فکری معاصر